

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نکات کلیدی و تفسیری جزء چهارم قرآن کریم

راز اول: رنگ رخساره خبر می دهد از سر درون

یَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُ وَّ تَسْوَدُّ وُجُوهُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶) وَاَمَّا الَّذِينَ اَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللّٰهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۰۷- آل عمران)

روز قیامت چهره‌هایی نورانی و چهره‌هایی تاریک خواهد بود. به آنان که چهره‌هایشان تاریک است گفته می‌شود: چرا بعد از اینکه ایمان آوردید کافر شدید؟! پس اکنون به خاطر آن کافری که ورزیدید طعم عذاب را بچشید و به آنان هم که چهره‌هایشان نورانی است در رحمت الهی مقیم می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند.

این یک اصل قرآنی است که حالت و نوع زندگی انسان و نیز پاداش و کیفرهای او در جهان دیگر در حقیقت تجسمی از اعمال و روحيات و افکار او در این جهان است. (۱) به عبارت دیگر: هر کاری که در این جهان از انسان سر می‌زند آثار وسیع و گسترده‌ای در روح انسان باقی گذاشته و کم‌کم چهره جان او را صورتگری می‌کند. درک این تغییرات در دنیا برای اکثر مردم امری ناممکن است؛ ولی در قیامت که روز ظهور حق و حقیقت و آشکار شدن باطن افراد است (۲) آن واقعیت نهفته در جان که در حقیقت چهره واقعی جان انسانهاست رونمایی شده و پدیدار می‌گردد.

روسفیدی و روسیاهی در قیامت هم که این آیات به آن اشاره می‌کنند در حقیقت تجسم همان حالات و روحيات انسان در دنیا است. کسانی که در دنیا ولایت خدا را پذیرفته و تابع دستورات او بوده‌اند؛ خداوند آنها را از ظلمات به نور می‌برد (۳) و در آن روز با چهره‌ای نورانی حاضر می‌شوند؛ ولی آنان که به ولایت طاغوت گردن نهاده‌اند، طاغوت‌ها آنان را از نور به ظلمات هوس و تفرقه و شرک و جهل سوق می‌دهند (۴) و در قیامت با چهره‌هایی سیاه و تاریک محسوس می‌شوند.

جاذبه عجیبی که در هوس‌های زودگذر، لذات جنسی نامشروع، مقامها و ثروت‌های غیر مباح وجود دارد همان جاذبه آتش دوزخ است که هر انسانی را به سوی خود می‌کشاند

فراز دوم: استقامت و تقوا رمز دفع شر دشمنان

وَإِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً (۱۲۰- آل عمران): اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید، نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند.

در این آیه شریفه دو رمز پیروزی و دفع شر دشمنان به صراحت مطرح شده که یکی پایداریست و دیگری رعایت تقوا. از این فراز قرآنی استفاده می‌شود که امنیت مسلمانان در برابر نقشه‌های شوم دشمنان، مشروط به استقامت و هوشیاری و داشتن تقوی آنهاست و تنها در این صورت است که امنیت آنها تضمین می‌گردد. ۵.

در پنج آیه بعد قدری پرده را کنار زده و گوشه ای از اسرار این فرمول را بر ملا ساخته است که چگونه خدا دفع شر می‌کند و مسلمانان را پیروز می‌گرداند؛ آنجا که روز بعد از شکست در جنگ احد (۶) به رزمندگان اسلام می‌فرماید: آری؛ اگر امروز استقامت بخرج دهید و به رویارویی سپاه دشمن بشتابید و تقوا را پیشه کنید و مانند روز گذشته با فرمان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله مخالفت ننمائید؛ اگر در این حال، مشرکان به سرعت به سوی شما برگردند؛ خداوند بوسیله پنج هزار فرشته که همگی دارای نشانه‌های مخصوص هستند شما را یاری خواهد کرد. ۷.

فراز سوم: چند وصف ممتاز برای متقین

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴) وَ
الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا
عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵- آل عمران)

قرآن کریم در این آیات، پنج ویژگی برتر متقین را بیان می‌کند که عبارتند از:

آنها در همه حال انفاق می‌کنند چه موقعی که در راحتی و وسعتند و چه زمانی که در پریشانی و محرومیتند که در این حال به مقدار ممکن دست نیازمندی را می‌گیرند.

آنها بر خشم خود مسلطند و آن را کنترل می‌کنند.

آنها از خطای مردم می‌گذرند و در دل کینه به دل نمی‌گیرند؛ البته این گذشت و عفو از کسانی است که شایسته آنند نه کسانی که گذشت و عفو باعث جرأت و جسارت بیشتر آنها می‌شود.

آنها نیکوکارند. که این مرحله عالی ترین درجه مراتب تکاملی گذشته است؛ مراتبی که از فروبردن خشم شروع می‌شود و به نیکی کردن در برابر بدی (البته آنجا که شایسته است) ختم می‌شود.

آنها اصرار بر گناه نمی‌کنند. پرهیزگاران علاوه بر اوصاف مثبت گذشته اگر مرتکب گناهی شوند بزودی به یاد خدا می‌افتند و توبه می‌کنند و هرگز با علم و آگاهی بر گناه خویش اصرار نمی‌ورزند و آن را تکرار نمی‌کنند). ۸۰) فرافراز چهارم: روزگار می‌گردد تا...

تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا ... وَ لِيَمْحَسَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ (۱۴۰) و (۱۴۱- آل عمران)

در این آیات به چند حکمت از اسرار گردش ایام و دست به دست شدن نام و نشانها، پست و مقام ها اشاره شده است:

یکی اینکه سره از ناسره مشخص شود. دوم آنکه گوهر وجود مردان خدا از ناخالصی ها پاک شده و عیارش بالا رود و آخر اینکه بی خدایان به تدریج نابود شوند. (۹) برای همین فرمود: ما این روزهای پیروزی و ناکامی را در میان مردم می‌گردانیم تا خدا کسانی را که از روی حقیقت و خلوص ایمان آورده‌اند، مشخص کند ... و نیز این پیروزی‌ها و ناکامی‌ها برای آن است که کسانی را که از روی حقیقت، ایمان آورده‌اند از عیوب و آلودگی‌ها پاک کند و کافران را به تدریج نابود نماید.

هر کاری که در این جهان از انسان سر می‌زند آثار وسیع و گسترده‌ای در روح انسان باقی گذاشته و کم کم چهره جان او را صورتگری می‌کند. درک این تغییرات در دنیا برای اکثر مردم امری ناممکن است؛ ولی در قیامت که روز ظهور حق و حقیقت و آشکار شدن باطن افراد است (۲) آن واقعیت نهفته در جان که در حقیقت چهره واقعی جان انسانهاست رونمایی شده و پدیدار می‌گردد

فرافراز پنجم: فرصت‌هایی که سوزنده است

وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸- آل عمران)

همیشه فرصت داده شده سازنده نیست؛ گاهی هم سوزنده است مانند فرصت دادن به کسی که اصرار به خود سوزی دارد که این فرصت، کمک به نابودی اوست. در این دنیا کسانی که پیام دین و ندای فطرت را شنیدند و آن را نادیده گرفتند ابتدا با سختی‌هایی مواجه می‌شوند تا به آن فطرت الهی برگردند و آن ندهای حیاتبخش را لیبیک گویند (۱۰)؛ اما اگر با لجبازی، دست خود را از دست راهنمایان الهی کشیدند و بر هلاکت خود اصرار ورزیدند از آن پس به آنها فرصت و امکانات داده می‌شود که در جاده گمراهی بتازند و جهنم خود

ساخته را لحظه به لحظه شعله ورتتر کنند. این در حالی است که این نگونبختان فرصت و امکانات پیش آمده را عنایتی برای خود تلقی کرده و شادمانند که ناگهان بانگی برآمد خواجه مُرد و در جهنم وارد شد.

فراز ششم: خوشبخت کیست؟

فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ (۱۸۵- آل عمران)

از نظر قرآن کسی سعادت‌مند است و عاقبت به خیر که بتواند خود را از جاذبه های گناه و معصیت که حقیقتی جز آتش ندارند رهانده و قدم در بهشت گذارد.

«زحزح» در اصل به معنی این است که انسان خود را از تحت تاثیر جاذبه و کشش چیزی به تدریج، خارج و دور سازد و «فاز» در اصل به معنی نجات از هلاکت و رسیدن به محبوب است. (۱۱) بر این اساس آیه مورد بحث می گوید: کسانی که از تحت تاثیر جاذبه آتش دوزخ، دور شوند و داخل در بهشت گردند، نجات یافته و محبوب و مطلوب خود را پیدا کرده‌اند.

سه نکته:

۱. جاذبه عجیبی که در هوس های زودگذر، لذات جنسی نامشروع، مقامها و ثروت های غیر مباح وجود دارد همان جاذبه آتش دوزخ است که هر انسانی را به سوی خود می کشاند.

کسانی که در دنیا ولایت خدا را پذیرفته و تابع دستورات او بوده‌اند؛ خداوند آنها را از ظلمات به نور می برد (۳) و در آن روز با چهره های نورانی حاضر می شوند؛ ولی آنان که به ولایت طاغوت گردن نهاده‌اند، طاغوت ها آنان را از نور به ظلمات هوس و تفرقه و شرک و جهل سوق می دهند (۴) و در قیامت با چهره های سیاه و تاریک محسوس می شوند

۲. اگر مردم نکوشند و خود را از تحت جاذبه این عوامل فریبنده، دور ندارند، تدریجا به سوی آن جذب خواهند شد.

۳. آنها که با تربیت و تمرین و آموزش و پرورش الهی، خود را به تدریج، کنترل می نمایند و به مقام نفس مطمئنه (روح آرام شده) می رسند نجات یافتگان واقعی محسوب می شوند و احساس امنیت و آرامش می کنند.

فراز هفتم: وضع خوب بی دین ها شما را فریب ندهد!

لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ (۱۹۶) مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۹۷- آل عمران)

یکی از رایج ترین سوالاتی که مومنین پس از مقایسه وضع به ظاهر خوب بی دینان با وضع ضعیفتر دینداران می کنند (که البته همیشگی هم نیست) این است که اگر دینداری باعث نزول خیرات و برکات دنیایی می شود پس چرا وضع بی دینان بهتر از ماست؟

قرآن می فرماید: فریب این زندگی مرفه و پر زرق و برق بی خدایان را نخورید و وضع به ظاهر خوب آنها را دلیل بر عنایت خدا به آنها قلمداد نکنید. آنچه در دست آنهاست مال ناچیز و زودگذر دنیاست که خداوند به دلیلی در اختیار آنها قرار داده است؛ یا خواسته در همین دنیا با آنها تسویه حساب کند تا در آخرت بهره ای از بهشت نبرند (۱۲) و یا قانون مهلت که در فراز پنجم گذشت را در مورد آنها اجرا کرده است. در هر صورت اینها در قیامت جایگاهی جز جهنم نخواهند داشت.

فراز هشتم: حقیقت حرام خواری

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (۱۰- نساء)

عمل به مانند خود ما انسانها ظاهری دارد که با حواس درک می شود؛ باطنی هم دارد که جز با چشم باطن قابل رویت نیست. چون این هنر در همه نیست که روح عمل را ببیند و از طرفی هم دانستن این موضوع اثر تربیتی فوق العاده ای دارد در بخشی از آیات و روایات آن چهره ملکوتی برخی عبادات و معاصی بیان شده است.

یکی از آیاتی که به این مهم پرداخته نمونه ای از تجسم اعمال را مطرح کرده است همین آیه مورد بحث است که حقیقت و چهره باطنی مال حرام (۱۳) را اینگونه بیان می کند: کسانی که اموال یتیمان را به ناحق تصرف می کنند در حقیقت آتش می خورند و به زودی در جهان دیگر هم داخل در آتش برافروخته ای می شوند که آنها را به شدت می سوزاند. پس حرام خواران علاوه بر اینکه در این دنیا آتشی را وارد بدن خود می کنند در قیامت هم وارد جهنم شده و به شدت خواهند سوخت. (۱۴)

فراز نهم: شما که نمی دانید چه کسی برای شما مفید تر خواهد بود

لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱- نساء)

برخی مومنین هنگام وصیت با توجه به شناختی که نسبت به ورثه خود دارند قانون خدا (احکام ارث) را نادیده گرفته و مال خود را به گونه ای دیگر تقسیم می کنند. در این تقسیم بندی ورثه ای که به نظر برایش مفیدتر خواهند بود سهم بیشتری می برند و کسانی که امید چندانی به نفعشان نیست سهم کمتری عایدشان می شود.

حقیقت و چهره باطنی مال حرام (۱۳) را اینگونه بیان می کند: کسانی که اموال یتیمان را به ناحق تصرف می کنند در حقیقت آتش می خورند و به زودی در جهان دیگر هم داخل در آتش برافروخته ای می شوند که آنها را به شدت می سوزاند. پس حرام خواران علاوه بر اینکه در این دنیا آتشی را وارد بدن خود می کنند در قیامت هم وارد جهنم شده و به شدت خواهند سوخت. (۱۴)

در این فراز خداوند متعال بعد از بیان احکامی در تقسیم ارث این طرز تفکر را خطا خوانده و می فرماید: شما که نمی دانید کدام یک از این ورثه برای شما مفیدتر خواهد بود. شما که از آینده خبر ندارید شاید همین کسی که امروز مال بیشتری به او داده اید فردا خودش یا فرزندانش با همین اموال شما لعن و نفرین برای شما بخرد و در عوض آن دیگری با تمام قوا برزخ و قیامت شما را آباد کند شما چه می دانید پس اموالتان را بر اساس آنچه که خدا مقرر کرده است بین وراث خود تقسیم کنید. (۱۵)

پی نوشت ها:

(۱) آیه ۳۰ سوره آل عمران

(۲) آیه ۹ سوره طارق

(۳) «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» آیه ۲۵۷ سوره بقره

(۴) «الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» همان

(۵) نمونه ج ۳ ص ۶۶

(۶) علامه طباطبایی این آیه را مربوط به جنگ بدر می داند. المیزان ج ۴ ص ۸

(۷) نمونه ج ۳ ص ۷۹-۸۰

(۸) نمونه ج ۳ ص ۹۶-۹۹

۹. رک به المیزان ج ۴ ص ۳۰

۱۰. آیه ۴۲ سوره انعام

۱۱. نمونه ج ۳ ص ۲۰۱

۱۲. آیه ۱۷۶ سوره آل عمران

۱۳. رک به المیزان ج ۴ ص ۲۰۴

۱۴. رک به نمونه ج ۳ ص ۲۸۱

۱۵. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی در جلسات درس تفسیر

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>